

## موفقیت کاری

### نویسنده: اریک بی. واتکینز

چه در زمینه‌ی پرورش فرزندان، چه در زمینه‌ی روابط با دیگران و چه در روابط کاری ما، همه برای موفقیت در تلاش هستیم. موفقیت در کار و مشاغل در قلب رویای امریکایی نهفته است و اینگونه تعلیم می‌دهد که اگر شخصی به مدتی طولانی و به سختی کار کند حتما موفق خواهد شد. اما چگونه موفقیت را از دیدگاه مسیحیت اندازه‌گیری کنیم؟ این که درآمد مالی ما چقدر است؟ صاحب چه مقدار وسایل هستیم؟ یا به تعداد افرادی بستگی دارد که ما را موفق می‌دانند؟

در انجیل متی ۲۵: ۱۴-۳۰، عیسی مسیح حکایت سه غلام را بیان می‌کند. دو غلام اول وفادار بودند، اما غلام سوم بی‌وفا خوانده می‌شود. دو غلام اول وفادار بودند چون وقتی ارباب آنها برای سفری طولانی از آنها جدا شد آنچه به آنها سپرده بود را به دقت سرمایه‌گذاری کردند و در وقت بازگشت اربابشان سود زیادی حاصل کردند. ارباب خشنود شد و اعتمادش به آنها افزوده گشت. اما سومین غلام هیچ محبت و احترامی به آقای خود نداشت. او در بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی کامل و فقط برای حفظ جایگاه خودش پول ارباب خود را در زمین پنهان کرد و پس از بازگشت آقایش همان مبلغ سرمایه‌گذاری نشده را به او پس داد. حرف‌های این غلام به اربابش در زمان بازگشت او نشان از بی‌محبتی و نداشتن احترام لازم به اوست و در تمامی این مدت این غلام وقت خودش را هدر داد و اعتماد ارباب را ضایع کرد. ارباب نیز این غلام بی‌وفا را توبیخ کرده و اخراج نمود.

این حکایت یه سوال مهم را مطرح می‌کند: ما چقدر آقای آسمانی خود را دوست داریم و به او احترام می‌گذاریم؟ بر اساس این مثل عیسی مسیح، جواب این سوال در طریق خدمت ما به آقایمان با استعدادها و توانایی‌هایی که او به ما بخشیده است دیده می‌شود. حقیقت این است که موفقیت دو غلام اول در سودآوری برای اربابشان نبود، بلکه موفقیت آنها در وفاداری بود که به آقای خود و آنچه او به آنها سپرده بود داشتند. عیسی مسیح آن دو غلام را برای داشتن "قدرت جادویی" یا توانایی تبدیل کردن اجسام به طلا تحسین نمی‌کند، بلکه آنها برای وفاداری به آقایشان مورد تشویق قرار می‌گیرند. دعای برکتی که آن دو غلام در زمان بازگشت آقایشان می‌شنوند می‌تواند آرزوی قلبی هر یک از ما باشد: "آفرین ای غلام نیک متدین". چه چیز می‌تواند شیرین‌تر از شنیدن این کلمات از عیسی مسیح باشد.

موفقیت کاری باید در پرتوی این مثل عیسی مسیح دیده شود. خداوند ما را هم برای کار کردن و هم برای استراحت خلق کرده است. این هدیه‌ای از جانب خداوند است و معنای مرکزی شبیه خدا خلق شدن. خداوند کار کرد و بعد استراحت نمود. انسان به عنوان فرزندی وفادار به شباهت خدا خلق شد، تا کار کند و استراحت نماید و همه برای جلال خداوند (اول قرن‌تین ۱۰: ۳۱). دلیل اینکه گاهی موفقیت یک هدف نامشخص است این می‌باشد که سقوط انسان در گناه نه تنها بر روح ما بلکه بر جسم و ذهن ما نیز تأثیر گذاشته است. ما دیگر آن چیزهایی

که برای دوست داشتن آنها خلق شده‌ایم، چنان که آدم پیش از سقوط دوست می‌داشت دوست نداریم. همانطور که در سقوط رابطه‌ی ما با خدای خالق تحت تاثیر گناه قرار گرفت، رابطه‌ی ما با نظم خلقت نیز متاثر از این شکست و سقوط در گناه است. سقوط، آشفتگی شدیدی در روابط ما ایجاد کرد، این را در رویدن خاها در میان گل‌هایی که خداوند خلق کرده است می‌بینیم. عرق نشسته بر پیشانی همواره آمیخته به اضطراب است، زیرا اصولاً کار ما با ناکامی‌ها و ناامیدی‌های متعدد همراه است. گاهی رنج کار ما آنقدر زیاد است که مایلیم دست‌های خود را بالا برده و با نویسنده‌ی کتاب جامعه هم‌صدا شده بگوییم "تماماً بطلالت و در پی باد زحمت کشیدن است" (جامعه ۲: ۱۷).

اینجاست که باید به خود یادآوری کنیم که نسبت به این امور - حتی موفقیت - باید دیدی متفاوت از دنیا داشته باشیم. هرچند نمی‌توان این حقیقت را انکار کرد که تاثیر سقوط بر تمامی کارهایی که انجام می‌دهیم دیده می‌شود، اما کار مسیح ما را رهایی می‌دهد و دیدگاه ما را نسبت به همه چیز حتی زحمات کاری ما تغییر می‌دهد. از آنجا که مسیح بر گناه و مرگ پیروز شده و ما را خلقتی نو ساخته، اشخاصی که در او هویتی تازه کسب کرده‌ایم، موفقیت ما نیز در او معنی می‌یابد. اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر به ما می‌گوید، تا آنجا که اعمال نیک ما با ایمان و اطاعت از خدا انجام شوند، مورد رضایت اوست و باعث جلال و تکریم او می‌باشند. اما آنچه که باعث می‌شود اعمال نیک ما در نهایت مورد قبول خداوند قرار گیرند این است که آنها "در او" پذیرفته می‌شوند (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر فصل ۱۶ بخش ۶). خداوند از کارهای نیکوی ما خشنود می‌شود، از جمله کارهایی که در شغل خود انجام می‌دهیم. آنطور که خداوند از اعمال مسیح خشنود بود از کارهای نیک ما نیز خشنود می‌شود. این به معنی آن نیست که کارهای ما در این جهان در حد کمال به انجام می‌رسند، بلکه به آن معنی است که در نظر خداوند پسندیده و قابل پذیرش هستند. بنابراین موفقیت حقیقی برای ما زمانی دست‌یافتی می‌شود که درک کنیم، فقط با بودن در مسیح آنچه انجام می‌دهیم خداوند را خشنود می‌سازد. پس چنانکه ما در مسیح هستیم اعمال ما "در زیر آسمان" و در نظر خداوند تبدیل یافته و پسندیده است.

بر اساس این زیربنای مستحکم یعنی نجات در مسیح و طریق انجیل، نیکویی و اهمیت کار کردن به شکلی که خشنودی خداوند حاصل شود را درک می‌کنیم. خداوند صرفاً ما را از چیزی نجات نداده است، بلکه او ما را همچنین برای منظوری نجات داده است. بر اساس افسسیان ۲: ۱۰، ما نجات یافته‌ایم و "آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم". این به‌طور قطع شامل شغل ما نیز می‌شود. خداوند ما را خلقتی نو ساخته به شباهت عیسی مسیح و به ما این توانایی را عطا کرده تا به طریقی که باعث خشنودی او می‌شود کار کنیم.

اریک لیدل یک دونده‌ی شناخته شده‌ی اسکاتلندی که همواره روز خداوند را محترم می‌داشت برای گفتن این جمله بسیار در خاطره‌ها مانده است، "خداوند به من توانایی سریع دویدن را داده است، و هرگاه من در میدان مسابقه هستم خشنودی او را احساس می‌کنم." هرچند اکثر ما هرگز در مسابقات دو و میدانی المپیک شرکت

نخواهیم کرد، اما آنچه لیدل گفت را هر ایماندار می‌تواند به نوعی بگوید. خداوند ما را در مسیح عیسی برای انجام اعمال نیکو خلقتی تازه ساخته و این شغل ما را هم دربر می‌گیرد، زمانی که ما بهترین و توانایی کامل خود را برای انجام آن امور ارائه می‌دهیم می‌توانیم خشنودی خداوند را احساس کنیم. برای توضیح بیشتر باید گفت، آنچه بیش از همه مهم است، پیروزی در مسابقه (ارتقا مقام، بیشتر شدن درآمد مالی، یا داشتن بزرگترین دفتر کار) نیست، بلکه تلاشی است که بر حسب توانایی که خدا به ما داده است برای خشنودی او انجام می‌دهیم. اینکه چه چیز بیشتر ما را خوشحال می‌کند باید جای خود را به آنچه بیشتر خداوند را خشنود می‌سازد بدهد. موفقیت حقیقی را نمی‌توان به راحتی مورد اندازه‌گیری قرار داد. آنچه دنیا با معیار خود موفقیت می‌داند موفقیت حقیقی نیست. بلکه تلاش برای انجام کارهایمان، حتی کارهای کوچک و در زمان‌هایی که هیچکس نظاره‌گر ما نیست می‌تواند موفقیت باشد، اگر احترام خداوند را مد نظر داشته و با مخلوقات او و مهم‌تر از آن با خود خدای خالق ارتباطی سالم و درست داشته باشیم.

کتاب مقدس به دفعات این موضوع را به یاد ما می‌آورد که فقط خداوند قادر است کار و زحمت ما را رونق دهد. موفقیت از توان دست‌های ما و یا قدرت اراده‌ی ما حاصل نمی‌شود. چه ما در کلیسا شاغل باشیم و یا خارج از کلیسا این فقط خداوند است که باعث رشد می‌شود. در مشیت کامل و حکیمانه‌ی او، زمان‌هایی هست که ما با تمام وجود و با جدیت برای جلال او کار می‌کنیم اما ثمره‌ی زحمت خود را آنطور که مشتاق آن هستیم نمی‌بینیم. در مواقعی دیگر آنطور که باید و وفادارانه کارهای خود را انجام نمی‌دهیم اما خداوند علاقم رفتار ما کارمان را رونق می‌دهد. به همین دلیل ما نمی‌توانیم موفقیت را صرفاً با اندازه‌گیری نتایج به دست آمده و دیدنی بسنجیم. ما باید در پی آن باشیم تا در مورد امور دیدگاهی مانند خداوند داشته باشیم و معیار ما برای محاسبه‌ی آنها مطابق معیار خداوند باشد، نه با حکمت دنیوی بلکه با حکمت روح‌القدس.

در همین زمینه باید به یاد داشته باشیم که تمامی کارهای ما، هرچه باشند، به نوعی کار کردن برای ملکوت خداوند هستند. تمامی کارهای ما می‌توانند باعث جلال خدا شده و شهادتی نیکو از ایمان مسیحی ما را در مقابل چشمان این جهان ارائه دهند. به همین دلیل، مسیحیان باید هم به خوبی کار کنند و هم به اندازه‌ی مناسب استراحت نمایند. هرچند خداوند ما را برای کار کردن آفریده است اما کار کردن ما هدف صرف او نبوده است. آدم باید یک هفته‌ی کاری ثابت را حفظ می‌کرد که شامل شش روز کار و یک روز برای استراحت بود. اما ظاهراً در فرهنگ ما این موضوع به افراط کشیده شده است. یا با تنبلی و عدم تلاش در تمامی امور دچار عقب افتادگی می‌شویم یا خود را برده و اسیر کار می‌سازیم به شکلی که امکان توقف و استراحت چنانکه خداوند طراحی نموده وجود ندارد. هیچ یک از این دو رویکرد سالم و کتاب مقدسی نیست. عدم تلاش و پشتکار و کار نکردن به شکلی مستمر هم زیبایی خلقت و هم شکوه نجات‌مان در عیسی مسیح را انکار می‌کند. و این درحالیست که خداوند در حکمت کامل خود هفته‌ی کاری ما را با استراحت و آرامی سبت به پایان می‌رساند. ما هم از نظر جسمی و هم از لحاظ روحی نیاز به استراحت داریم.

به عنوان بخشی از تلاش ما برای جلال دادن خداوند و لذت بردن از او در هر آنچه انجام می‌دهیم، ما باید به شکلی منظم از مشغله‌های این دنیا فارغ شده و زمانی مشخص را برای استراحت و تعمق بر برکت آرامی و آسایشی که در آسمان نصیب ما خواهد شد اختصاص دهیم. استراحت و پرستش در روز خداوند خشنودی و یادآور طعم نیکوی آسمان است. اما کار کردن بدون استراحت ما را شبیه برده‌ای محکوم به کار می‌سازد که بدون امید نجات تحت لعنت گناه، یعنی کار با مشقت باقی مانده‌ایم. همچنین خودداری از کار کردن به شکلی مستمر و وفادارانه نیز خلقت ما به شباهت خداوند و خلقت تازه‌ی ما در مسیح را منکر می‌شود. بنابراین کار و مشاغل ما نه صرفاً وسیله‌ای برای تامین نیازهای ما و خانواده‌ی ما بلکه فرصت‌هایی هستند تا "استعدادهای" خود را وفادارانه و با پشتکار برای جلال خداوند به کار ببریم.

دکتر اریک بی. واتکینز، شبان اصلی کلیسای کاوننت پرزبیتترین (از کلیساهای ارتدکس پرزبیتترین) در سنت آگوستین فلوریدا و نویسنده‌ی کتاب *The Drama of Preaching* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.